

حضرت بهاء الله می فرمایند:

"امروز خداوند در انجمن سخن میفرماید نزدیک شوید و گفتارش را بیابید. گفتار پیک دیدار اوست شما را از تاریکی رهاند و بروشنائی رساند."

ادعیه محبوب ص ۳۰۶

برنامه عید اعظم رضوان

۱- مناجات شروع

۲- مناجات دوم

۳- لوح مبارک حضرت بهاء الله

۴- ذکر دسته جمعی (یا مَنان)

۵- لوح مبارک حضرت بهاء الله خطاب به جناب سمندر

۶- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

۷- اظهار امر به عنوان پاسخ به فرهنگ ظلم

تنفس و اجرای برنامه های محلی

۸- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

۹- خطابه مبارک حضرت عبدالبهاء به مناسبت عید رضوان

۱۰- رضوان و پیام مهر و صلح

۱۱- حکایت

سروران روحانی الله ابهی

با تبریک به مناسبت فرارسیدن ایام مبارکه رضوان و با امید به اینکه ایام فرخنده پیش رو مملو از سرور و موفقیت در خدمت برای فرد عزیزان باشد.

لازم به ذکر است که برنامه تقدیمی به عنوان پروگرامی پیشنهادی ارائه میگردد بدیهی است هر جمعی میتواند به فراخور حال و با بهره مندی از برنامه های محلی و ابتکارات فردی به پربرتر شدن هر چه بیشتر این جشن باشکوه کمک نماید. تقاضا میگردد از قبل هماهنگیهای لازم جهت استفاده از استعدادهای محلی در عرصه های گوناگون هنری، ادبی، علمی و... صورت پذیرد

در پناه تأییداتش لحظاتی مالا مال از عشق و سرور برایتان آرزو می نمائیم

الها معبودا مسجودا

شهادت میدهد عبد تو به وحدانیت تو و فردانیت تو و از بدایع فضلت مسئلت مینماید آنچه را که سزاوار بخشش تو است و ظهور و بروزش از دفتر عالم محو نشود سحاب اوهام او را ستر نماید و غمام ظنون او را از اشراق باز ندارد. ای کریم هر صاحب بصر و سمعی بر کرمات شهادت داده و بر سبقت رحمتت گواه . عبادت را از دریای شناسائی محروم منما و از انوار وجه ظهور منع مفرما . توئی بخشنده و مهربان . لا اله الا انت العزيز المَنَّان .

ادعیه محبوب ص ۳۳۱

۲-مناجات دوم

هُوَ اللهُ

ای پروردگار ستایش ترا که این بینوا را بانوا کردی و این مستمند را به گنج روان دلالت فرمودی این قافله گمگشته را به کعبه مقصود هدایت فرمودی و این ماهی تشنه لب را از معین عین تسنیم نوشانیدی پس اگر در دهان صد هزار زبان بگشایم و به هر زبان حمد و ستایش تو نمایم از عهده شکر الطافت در نیایم که چنین موهبتی مبذول فرمودی و چنین احسان رایگان داشتی ای یزدان مهربان ثابت نما و نابت کن مستقیم فرما و در محفل اسرار همدم و ندیم کن . ای کریم توئی صاحب فضل عظیم انک انت الرحمن الرحيم . ع ع مجموعه مناجاتهای چاپ آلمان ص ۱۴۸

۳-لوح مبارک حضرت بهاء الله

بِسْمِ الْمُجَلِّيِّ عَلَيَّ مَنْ فِي الْإِمْكَانِ

يا قَلَمَ الْأَعْلَى قَدْ آتَى رَيْبِ الْبَيَانِ بِمَا تَقَرَّبَ عَيْدُ الرَّحْمَنِ . قُمْ بَيْنَ الْمَلَأِ الْإِنْشَاءِ بِالذِّكْرِ وَ الثَّنَاءِ عَلَيَّ شَأْنٍ يُجَدِّدُ بِهِ قَمِيصُ الْإِمْكَانِ وَ لَا تَكُنْ مِنَ الصَّامِتِينَ . قَدْ طَلَعَ بَيَّرَ الْإِبْتِهَاجِ مِنْ أَفْقِ سَمَاءِ اسْمِنَا الْبُهَاجِ بِمَا تَزَيَّنَ مَلَكُوتُ الْأَسْمَاءِ بِاسْمِ رَبِّكَ فَاطِرِ السَّمَاءِ . قُمْ بَيْنَ الْأُمَمِ بِهَذَا الْإِسْمِ الْأَعْظَمِ وَ لَا تَكُنْ مِنَ الصَّابِرِينَ ... هَذَا يَوْمٌ فِيهِ فَاضَ بَحْرُ الْحَيَوَانِ مِنْ فَمِ مَشِيئَةِ الرَّحْمَنِ هَلَمُوا وَ تَعَالُوا يَا مَلَأَ الْأَعْلَى بِالْأَرْوَاحِ وَ الْقُلُوبِ . قُلْ هَذَا مَطْلَعُ الْغَيْبِ الْمَكْنُونِ لَوْ أَتَيْتُمْ مِنَ الْعَارِفِينَ وَ هَذَا مَظْهَرُ الْكَنْزِ الْمَخْرُوجِ إِنْ أَتَيْتُمْ مِنَ الْقَاصِدِينَ ... قُمْ بِشَرِّ الْإِمْكَانِ بِمَا تَوَجَّهَ الرَّحْمَنُ إِلَى الرَّضْوَانِ ثُمَّ أَهْدِ النَّاسَ إِلَى الْجَنَّةِ الَّتِي جَعَلَهَا اللَّهُ عَرْشَ الْجِنَانِ إِنْ جَعَلْنَاكَ الصُّورَ الْأَعْظَمَ لِحَيَاةِ الْعَالَمِينَ . قُلْ تِلْكَ جَنَّةُ رُقْمِ عَلَيَّ أَوْرَاقٍ مَا غُرِسَ فِيهَا مِنْ رَحِيقِ الْبَيَانِ . قَدْ ظَهَرَ الْمَكْنُونُ بِقُدْرَةِ وَ سُلْطَانِ إِنَّهَا لَجَنَّةٌ تَسْمَعُ مِنْ حَفِيفِ أَشْجَارِهَا يَا مَلَأَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ قَدْ ظَهَرَ مَا لَا ظَهَرَ مِنْ قَبْلِ وَ آتَى مَنْ كَانَ غَيْباً مُسْتَوِراً فِي أَرْزَلِ الْأَزَالِ وَ مِنْ هَزِيْزِ أَرِيَاحِهَا قَدْ آتَى الْمَالِكُ وَ الْمَلِكُ لِلَّهِ وَ مِنْ خَرِيرِ مَائِهَا قَدْ قَرَّتِ الْعَيُونَ بِمَا كَشَفَ الْغَيْبُ الْمَكْنُونُ عَنْ وَجْهِ الْجَمَالِ سِتْرَ الْجَلَالِ ...

منتخبات آثار حضرت بهاء الله ص ۲۷ و ۲۸

۵- لوح مبارک حضرت بهاء الله خطاب به جناب سمندر

"ایام ایام فرح است چه که محبوب عالم و اسم اعظم بر عرش ظهور مستوی به اسمش بگوئید و به یادش بنوشید و به ذکرش مشغول باشید و به کمال روح و ریحان و حکمت و بیان با یکدیگر و خلق معاشرت نمائید. در هیچ حالی از احوال از حکمت غافل نشوید.

یادنامه ابن ابهر ص ۲۰۰

۶- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

ای دوستان الهی موسم بهار روحانی است و فصل ربیع رحمانی عصر اول جمال قدم است و قرن عظیم اسم اعظم لهذا باید دوستان در هر دمی شعله‌ئی جدید زنند و پرتوی تازه ظاهر نمایند نغمه‌ئی الهی آغاز کنند و آهنگی حجازی و عراقی بلند فرمایند تا حجر و شجر و مدر بوجد و طرب آیند تا چه رسد بشر. قسم بعنایت اسم اعظم که اگر نفوس چنانکه باید و شاید مبعوث گردند در مدتی قلیله روی زمین بهشت برین گردد و این توده غربا جنت ابهی شود

مکاتیب ج ۵ ص ۵۶

۸- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

اسم اعظم محض ورود به بغداد در را گشودند و صلاهی عمومی زدند و ندای الهی بلند شد و صیت امر الله در اطراف منتشر گشت. رؤسا و علمای جمیع ملل شب و روز در محضر حاضر و سؤال و جواب مستمر و جمیع به قناعت از جواب معترف تا کار به جائی رسید که خوف و هراس ناصرالدین شاه را بی صبر و قرار نمود و به جمیع وسائل تشبث کرد و به خط خویش به سلطان عبدالعزیز نامه نوشت و رجای نفی جمال مبارک را از بغداد کرد که ایران در خطر است و حکومت پر حذر و عاقبت ضرر به هر دو دولت رسد. این بود که فرمان عبدالعزیز وارد و قرار بر سفر جمال مبارک گردید با وجود آن که مسئله نفی و سرگون بود ولی در نهایت اقتدار به باغ نجیب پاشا نقل مکان فرمودند و دوازده روز در آنجا به قسمی امر الله اعتلا یافت و والی نامق پاشا و جمع ارکان اردو و ولایت و علمای مملکت و وجهای ملت شب و روز به زیارت می آمدند و مشرف میشدند و حال آن که به ظاهر سرگونی بود ولی از نفوذ امر الله در آن ایام معدوده و علو کلمة الله و انتشار نفحات الله آن ایام چنان به سرور و جهور گذشت که عید رضوان شد و به کمال اقتدار حرکت فرمودند و جمیع خلق عراق گواه و شاهدند.

منتخبات مکاتیب ج ۴ ص ۲۱۷

از برای احبّاء الله یوم سروری اعظم از این نمیشود بدلیل چند دلیل اول یومی است که عظمت امر الله ظاهر و باهر شد دلیل ثانی جمیع اعداء الله خاضع شدند دلیل ثالث اعلان من یظهره اللهی گردید دلیل رابع جمال مبارک در نهایت سرور و روح و ریحان چنین سفر مبارکی فرمودند ملاحظه کنید که جمال مبارک در آن سرگونی چه سروری داشتند که در آن ایام اعلان امر الهی را نمودند دیگر نظیر ندارد هیچ مثل و نظیر ندارد که مظهر امر الله در یوم سرگونی باین سرور و بهجت اعلان امر خود را بنماید این از جمله خصائص امر مبارک است که بظاهر ظاهر ذلّت عزّت کبری شد سرگونی از برای هر نفسی ذلّت کبری بود از برای جمال مبارک عزّت کبری شد باری این دوازده روز که ایام مصیبت عظمی بود احیان احزان شدید بود چرا؟ یوم سرگونی بود چون عظمت امر الله نمودار گردید و علویّت کلمه الله واضح شد و اسرار کتب مقدّسه اکمال گردید و جمال مبارک در نهایت فرح و سرور بودند این دوازده روز عید رضوانست لهذا از برای احباب ایّامی مبارکتر از این نمیشود.

رساله ایام تسعه ص ۳۳۱

۷-اظهار امر به عنوان پاسخ به فرهنگ ظلم

زندگی و سخنان حضرت بهاء الله به طرد انواع جور و ستم معطوف است. اعلان مقام و پیام ایشان در سه مرحله پیاپی صورت پذیرفت. در سال ۱۸۵۲ در سیاهچال طهران جمال مبارک به گونه ای نهفته اعلان ظهور نوین را فرمود. در سال ۱۸۶۳ یعنی در زمان تبعید از بغداد به استانبول وادرنه مأموریت و پیام پیامبر ایرانی به گونه ای آشکار اعلان شد و سرانجام در سال ۱۸۶۸ در زمان تبعید به عکا حضرت بهاء الله مأموریت و پیام خویش را به گونه ای کاملاً صریح و جهانی به همه مردم بشر ابلاغ کردند. زمان سه اظهار امر پدیداری تصادفی نبوده است... به طور کلی هرگاه که به نظر می رسید که ظلم و جور نسبت به ارزشهای نوین روحانی و جامعه ای که نماینده آن است به اوج خود رسیده... حضرت بهاء الله بر آن می شدند که این شکست را به پیروزی بدل کنند و... با اعلان فرهنگ مهر و تکامل و یگانگی انرژی روحانی نوینی در جامعه پیشرو و ستمدیده جاری نمایند... اظهار امر نهفته ایشان در وسط زندان در سیاهچال طهران صورت میگیرد و این در زمانی است که ناصرالدین شاه و فقهاء دست به یکدیگر داده و به نسل کشی بایان پرداختند. به همین سان و در دنباله اظهار امر نهفته حضرت بهاء الله در دوران تبعید بغداد... جامعه بایی را زنده نموده به نشر و ترویج فرهنگ مهر و یگانگی و صلح پرداختند... شهرت آئین نوین و جذبۀ خلاق آن، پادشاه و فقهای ایران را چنان به ترس واداشت که هر دو با جدیت کوشیدند تا دولت عثمانی را نیز علیه حضرت بهاء الله بدین کنند و وزرای آن کشور را به اخراج ایشان از بغداد و تبعیدشان به نقطه ای دوردست وادار نمایند... در این زمان به نظر می رسید که نه تنها با چنین تبعیدی بار دیگر آتش خلاقیت فرهنگی و روحانی خاموش می گردد بلکه از اکنون آئین نوین مورد تهدید و ستم نه تنها زمامداران ایران بلکه به علاوه زمامداران عثمانی هم قرار می گیرد. دقیقاً در همین هنگام و در بحبوحه این بحران است که حضرت بهاء الله بلافاصله پس از خروج از بغداد در خارج شهر به مدت ۱۲ روز در باغی قرار می یابند و این مدت را به اعلان آشکار ظهور نوین... تخصیص می دهند... و بالاخره در زمانی که دو زمامدار ایران و عثمانی دست به دست یکدیگر داده و با تبعید نهائی ایشان به عکا به قلع و قمع پیام نوین اقدام می کنند، پاسخ حضرت بهاء الله به این ستم ارسال نامه هائی به زمامداران جهان به گونه ای عمومی و جهانی و اعلان ندای یگانگی عالم انسانی و صلح عمومی می باشد.

در زمانیکه دولت ایران بالاخره موفق شد که حمایت دولت عثمانی را برای تبعید حضرت بهاء الله از بغداد به استانبول و ادرنه جلب کند، اظهار امر رضوان تحقق یافت. در توصیف این حادثه تاریخی حضرت بهاء الله خود چنین می فرماید: "در یوم اول که جمالقدم بر عرش اعظم در بستانی که به رضوان نامیده شد مستوی، لسان عظمت به سه آیه مبارکه نطق فرمود: یکی آنکه سیف در این ظهور مرتفع است. و آخر، هر نفسی قبل از الف سنة ادعا نماید باطل است... و ثالث حق جل جلاله در آن حین بر کل اشیاء به کل اسماء تجلی فرمود."

چنانکه می بینیم اظهار امر حضرت بهاء الله در باغ رضوان در سال ۱۸۶۳ با ذکر سه گفتار صورت می پذیرد. اولین بیان مبارک مربوط به نفی فرهنگ خشونت است یعنی آنکه شمشیر در این ظهور برداشته می شود. دومین گفتار بیانگر اصل هوشیاری تاریخی حضرت بهاء الله است یعنی آنکه کلام الهی پدیداری زنده و پویا ست و برای آن پایانی قابل تصور نیست. همه پیامبران یک حقیقتند و همه کتابهای آسمانی یک کتاب ولی این حقیقت واحد در زمانهای گوناگون خود را به شکل تازه ای منطبق با درجه تکامل جوامع بشری آشکار می نماید همانند آدمی که در سالهای گوناگون شکلهای گوناگون به خود می گیرد بزرگ می شود و رشد میابد اما همان آدم است. پس ایشان آخرین پیامبر نیستند... گفتار سوم حضرت بهاء الله بیانگر اصل روحانی برای اعلان ظهور انسان و رهائی از عرصه تنازع بقا و ددمنشی است. در روز نخست رضوان در هنگام استوای بر عرش، خداوند بر همه اشیاء با همه نامهای خویش تجلی میکند و بدین ترتیب است که از نظر مبارک همه چیز آئینه خدا شده است و باید در هر چیزی صفات و اسماء خدا را جستجو کرد یعنی همه چیز و همه کس پاک و مقدس و زیباست و همه کس از کرامت و حقوق و تقدس برخوردار است.

مقاله عید رضوان و دیالکتیک وصال و فراق به قلم جناب نادر سعیدی

۱۱- حکایت:

بعد از ظهر از اندرون حرکت فرمودند و قبل از حرکت نقل مکان به باغ نجیب پاشا بیرون دروازه معظم که تقریباً ده دقیقه از بغداد دور است مانند عکا تا باغ رضوان بلکه نزدیکتر و نفوسه که به مأموریت این خدمات مأمور بودند جمیع اسبابها را نقل مکان کردند و سرپرده سلطنت جلیل الهی را در وسط باغ زدند و اطاب چادرها را در اطراف باغ کوییدند.

در آن وقت باغ مزین به اوراد و زهور و گلهای گوناگون و لاله های رنگارنگ و درختها سبز و خرم و در وسط سرپرده حوض آب در نهایت لطافت و نظافت و صفا و در خارج آب روان از هر طرف جاری و ساری و جمیع احباب اهتمام تام را در نظم و ترتیب امور می پرداختند به قسمی که در هیچ وقتی باغ چنین رونقی نداشت... تقریباً عصر باغ به قدم مبارک مشرف شد و در همان یوم اول عید رضوان بر عالمیان چون شمس تابان اشراق فرمود و دوازده روز توقف فرمودند و در این دوازده روزه علی الدوام در سرپرده الهی بزرگان امراء و علماء و فقهاء به حضور مبارک مشرف بودند و شبها به منزل خویش می رفتند باز صبح در باغ حاضر می گشتند.

تقریرات جناب آحسین آشچی